



۲۰۱۳/۱۲/۰۸

نجيب داوری

آيا افغانستان محاط به خشکه دارای ارزش جيوپوليتک و جيوستراتيژيک برای امریکا است؟

نظر تمام هم میهنان عزیز و استادان سابق پوهنتون کابل قابل قدر و ارج بوده و بعضی از این نظریات هم آموزنده، بخصوص نامهٔ محترم عارف عباسی نهایت آموزنده، دقیق، ایده آل و حتی تحقیقی می باشد. تشکر از محترم عباسی بخاطر نظر ارزشمندشان..

تعدادی از دوستان تحت تاثیر پروپاگندهای استخبارات منطقه، ارزش و موقعیت افغانستان را برای امریکا، بیشتر از آنچه است، بلند و بالا وانمود نموده و پیوسته تأکید می ورزند که امریکا هرگز افغانستان را ترک نخواهد کرد.

حضور این تعداد هموطنان عرض میگردد. خلاف آنچه که تبلیغ میگردد افغانستان محاط به خشکه هرگز برای امریکا ارزش آنچنانی جيوپوليتک، جيو ستراتيژيک، جيوايکونوميک وغيره وغيره را نداشته و نه هم دارد. اگر میداشت، امریکا شش دهه قبل از امروز، در گرمگرم جنگ سرد با در نظر داشت موقعیت افغانستان بعنوان همسایه ابر قدرت متخاصم و رقیبش یعنی شوروی وقت، زمانیکه داوود خان مرحوم بخاطر پیشبرد پروژه های اقتصادی و زیر بنایی افغانستان از امریکا درخواست کمک کرد، به درخواست داوود خان پاسخ مثبت میداد، که نداد. فرصتهای بعدی بخصوص استغاثه های پنهانی داکتر نجیب الله بدنبال سقوط شوروی در امر حمایت دولت و رژیمش از امریکا و سهای وحشت و دهشت ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ و جنگهای هیبت ناک و فرسایشی تنظیمی که مردم افغانستان هر لحظه چشم براه خلاص گیر و ورود قوت های صلح ملل متحد بکشور شان بودند - باشد در جایش.

امریکا بدنبال واقعه نیویارک در سال ۲۰۰۱ فقط جهت تعقیب سرکردگان القاعده و همچنان بخاطر ترمیم حیثیت برباد رفته اش نزد جهانیان، وارد افغانستان شد. حالا هم تعدادی از دست اندر کاران و دکترین سیاست خارجی و امنیت ملی امریکا بخصوص جوبایدن معاون رئیس جمهور امریکا به این نظر هستند که پروژه افغانستان را بنا به درخواست مکرر پاکستانی ها که به امریکایی ها گفته اند ریسمان این گرگ های سرکش را به ما بدهید و ببینید که چطور رام شان خواهیم کرد! باید به پاکستان بسپارند. ولی از آنجائیکه سیاست مدران پاکستانی پیوسته در بعضی از سیاست های شان بجای صداقت؛ دو رویی و دروغگویی پیشه نموده اند. تعداد دیگری از دولتمردان امریکا مخالف این ایده بوده، و ترس از این دارند که مبادا سپردن پروژه افغانستان به پاکستانی ها، بار دیگر آنها را غافل گیر و به اساس ستراتيژي پاکستان در مقابل هندوستان افغانستان باز هم به لانه افراطیون و تروریست ها تبدیل شود.

همزمان با این بعضی هموطنان در نامه های شان و همچنان در مصاحبه های شان با ارائه همان داستان جعلی موقعیت افسانوی افغانستان، چنین وانمود می کنند که امریکا با مصارف چند صد میلیارد دالر و تأسیس ساختمان های آنچنانی هرگز از افغانستان خارج نخواهد شد.

یقین است که تبلیغات بی امان استخبارات منطقه عقل و هوش بسیاری و یاهم عده ای قلیلی از هموطنان را مغشوش ساخته است که گاهی به نعل می زنند و گاهی هم به میخ - و بلاخره در هر دو صورت امریکا را مقصر و توطئه گر قلمداد می کنند.

برای هموطنان عزیزی که حرف هایی از این قبیل می زنند- عرض می شود، که امریکا با درنظر داشت نرخ تورم، ده ها برابر پولی که در افغانستان خرچ می کند، در ویتنام خرچ کرده است؛ میدان هوایی دانانگ را امریکا طوری ساخته بود که نذیرش در منطقه وجود نداشت. نزدیک به شصت هزار سرباز در آنجا کشته داد و تعداد زخمی هایش به صد ها هزار نفر می رسید. ولی امریکا وقتیکه دید، نشد قدیفه اش را تکاند و ویتنام را بجای خودش گذاشت. بدنبال خروج امریکا از ویتنام و تحقق رژیم طرفدار داس و چکش در کشور مذکور زمانیکه مردم آنکشور پیشرفت ها و سطح بالای زندگی مردم کوریای جنوبی را مشاهده نمودند؛ در جریان دههٔ نود میلادی و بعد از آن بعضی از مسؤولین دولت ویتنام با اظهار ندامت از گذشته، پیوسته به امریکایی ها جهت سرمایه گذاری

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

مراجعه نموده اند. استقبال گسترده و شاندار مردم و دولت مردان ویتنام از بل کلنتن در میانه سال های نود میلادی و قتی که کلنتن رئیس جمهور امریکا بود، در تاریخ ویتنام نذیر ندارد.

مسئله دیگری که تعدادی از هموطنان بخصوص گرداننده تلویزیون «پیام افغان» در مصاحباتش با آدم های فرمایشی، که متقابلاً روی آن تأکید می ورزند عبارت از غیرت افغانی می باشد.

در این هیچ جای شک و شبه نیست که مردم با شهامت کشور ما در امر دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور شان در طول تاریخ به متجاوزین و زورمندان غاصب جواب لازم و قاطع داده اند. ولی همزمان باید متوجه بود که هر انسان غیرتمند به کمک و همکاری نیاز مبرم دارد. اگر کمک های به موقع کشورهای غربی و بعضی از کشورهای اسلامی در دهه هشتاد قرن قبل به مدد مجاهدین نمی رسید. شاید مجاهدین ما با دست خالی نمی توانستند، ابرقدرت شوروی وقت را شکست بدهند. هرچند پرویز مشرف بار ها در مصاحباتش شکست شوروی وقت را در افغانستان از کارنامه های سازمان استخبارات نظامی آنکشور قلمداد نموده است، ولی آفتاب بدو انگشت پنهان نمی شود. جهانیان از مقاومت افغانها در مقابل روس ها کاملاً آگاه اند.

حالا هم کشور ما در حالیکه از طرف همسایگان بظاهر مسلمان شرقی و غربی اش عملاً تحت تهدید پنهان و آشکار قرار دارد، به مدد و کمک جامعه جهانی در رأس ایالات متحده اشد ضرورت دارد.

سردمداران و سازمان های اطلاعاتی و استخباراتی کشورهای ایران و پاکستان جهت دستیابی به ذخایر معدنی و دست نخورده، آبهای فراوان و تمامیت ارضی کشور ما آرام و قرار نداشته و بخاطر خروج تمام عیار قوت های غربی از افغانستان و شغالی شدن میدان برای شان لحظه شماری می کنند. بخصوص کشور پاکستان برای اجرای طرح اسکان ده ها میلیون نفر از نفوس در حال انفجار آنکشور، بخصوص سندی ها و پنجابی ها در دشت های بیکران افغانستان سخت ناقرار است. بنده باور دارم که در صورت خروج قوت های ناتو و ایساف از کشور ما، با وجود تضمین های احتمالی و آنچنانی در امر بیطرفی، و عدم مداخله در امور داخلی افغانستان، کشورهای ایران و پاکستان هرگز و هرگز دست از مداخلات شیطانی شان در امور داخلی میهن ما، دست بردار نخواهند بود. بناءً نباید خود و مردم را با حرف ها و کلماتی چون «پالیسی خارجی مبتنی بر حسن همجواری یعنی داشتن روابط حسنه با همسایگان» و غیره سخنان میان خالی فریفت. ما بخواهیم، نخواهیم همسایگان در هر صورت ماندن والای ما نیستند، مگر اینکه ما دارایی قدرت اقتصادی و نظامی مساوی با آنها باشیم. و با مشت کوبنده مانع مداخلات و شرارت های شیطانی شان در امور داخلی افغانستان شویم.

از طرف دیگر تحت شرایط فعلی یا به اصطلاح اشغال، سرزمین ما عملاً بعنوان کشور آزاد در قطار دیگر کشور های آزاد جهان قرار دارد. و رئیس جمهور ما هم بدون ترس، پیوسته بی خریطه فیر، و بی پروا بروی امریکایی ها سیلی میزند. ولی باید از روزی ترسید که پایتخت ما شهر های اسلام آباد و تهران باشد؛ و در آن هنگام ارباب تهران با هموطنان ما همان برخورد را پیشه کنند که اکنون با سنی های ساکن ایران می کنند.

از موضوع دور نشویم، آیا این سه میلیون مهاجر افغان در ایران و دو میلیون هم در پاکستان افغان نیستند؟ چرا آنها به آنجا رفته اند؟ تهدید سیاسی که حالا وجود ندارد، معلومدار که از روز بد اقتصادی به آندیار رفته و در آنجا بخاطر دریافت یک لقمه نان با تحقیرها و توهین های بیشماری مواجهه و غیرت افغانی شان روزانه یک بار نه، دوبار نه - بلکه ده ها بار زیر پا شده و لگد مال می شود. اصطلاح توهین آمیز «افغانی بی فرهنگ» ورد زبان تعدادی از ایرانی های کوتاه فکر و شوونیست در داخل ایران می باشد. همین طور هموطنان شاید اطلاع داشته باشند که عصر ها و نزدیک به شامگاهان در ناتوایی های شهرهای پشاور، اسلام آباد و کوئته پاکستان نزدیک به صد ها افغان، نه بخاطر خرید نان، بلکه با گردن پت و پریشان، منتظر کسی اند که بیاید برای شان یکدانه نان بخرد و خیرات کند. آیا اینها افغان نیستند و غیرت افغانی ندارند؟

آنچه عیان است، اینست که افغانستان فعلی بمانند مریضی دست و پا شکسته بی است که بدون عصا نمی تواند راه برود. بناءً تا زمانیکه کشور ما روی بسیاری جهات بتواند به معیار های سال های جمهوری محمد داوود برسد، جهت رشد اقتصادی، توطئه همسایگان و بلاخره برگشت مهاجرین افغان از کشورهای ایران و پاکستان به کمک جامعه جهانی بعنوان اعصاب اشد ضرورت دارد. در غیر آن بدون هرگونه شک و تردید، همسایگان مغرض و مترصد این مریض دست و پا شکسته را تکه و پاره خواهند. و آنگاه پشیمانی سودی نخواهد داشت. والسلام

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی